



دوست یا پوست خریزه

نکته‌ای درباره‌ی دوستان واقعی

حسین امینی پویا

تصویرگر: سید میثم هوسوی

آداب دوست‌یابی

انتخاب آگاهانه و درست

باید دوستانمان را خودمان انتخاب کنیم؛ دوستانی که راست‌گو، با اخلاق، با ایمان و اهل ادب باشند. در این مسیر می‌توانیم از آموزه‌های دینی کمک بگیریم که در آن‌ها هم به شناخت درست و آگاهی از زیست فردی و اجتماعی دوستان تأکید شده است. یعنی قبل از اینکه رازها، احساس‌ها و وقت‌مان را به کسی بدهیم، ببینیم در گفتار، عمل و رفتار چگونه است. چند نمونه را با هم ببینیم.

● از هم‌نشینی با کسی که فکری سست و کرداری ناشایست دارد دوری کن، زیرا شخصیت هر کس را با دوستانش می‌سنجند (امام علی(ع)، الحیاء، جلد دهم، ص ۸۰).

● از هم‌نشینی با آدم احمق بپرهیز، زیرا او می‌خواهد به تو سود برساند، ولی زبان می‌رساند.

● اگر سه ویژگی را در دوست خود دیدی به او امید بند: حیا، امانت داری و راستی (پیامبر(ص)، الحیاء، جلد دهم، ص ۸۷).

● بهترین دوست تو کسی است که تو را در طاعت خدا یاری رساند و از نافرمانی خدا باز دارد (پیامبر(ص)، الحیاء، جلد دهم، ص ۷۵).

وفاداری و حمایت

بدانیم که دوستی فقط به زمان خوشی‌ها محدود نیست. پس اگر دوستت مشکلی پیدا کرد، نباید فراموشش کنی. باید در سختی‌ها نیز در کنارش باشی و به او کمک کنی. دوست خوب هنگام نیاز رفیقش را تنها نمی‌گذارد؛ حتی اگر کار چندانی از تو در آن موقعیت برنیاید. یک حرف امیدبخش می‌تواند حال او را بهتر کند.

رازداری و حفظ آبرو

یکی از مهم‌ترین آداب دوستی آن است که رازدار باشیم. سپردن راز نشان اعتماد دوست به ماست. نباید این اعتماد را بشکنیم. البته این رازداری که یک ارزش مهم اخلاقی است، مثل هر ارزش دیگری حد و مرزی دارد. مرز رازداری نقطه‌ای است بین وفاداری و پایبندی به اخلاق و قانون. برای مثال، رازی که مانع اجرای عدالت و حقیقت می‌شود، مثل پنهان کردن جرمی که به دیگری آسیب رسانده است، یا رازی که قانون آن را نمی‌پذیرد، مثل پنهان کردن یک رفتار خطرناک، مثل اعتیاد یا تصمیم به فرار از مدرسه، خارج از محدوده وفاداری محسوب می‌شوند. یعنی در همه این‌ها رازداری خطاست و نباید در برابر آن‌ها ساکت ماند. در این مورد قانون ساده‌ای وجود دارد: «راز داری نباید

همه ما در زندگی به دوست نیاز داریم؛ دوستی که در کنارمان باشد، با او بخندیم، حرف بزنی و درد دل کنیم، و روزهای خوب و بد را با هم بگذرانیم. اما تنها این‌ها نیستند. غالباً با دوست است که احساس امنیت می‌کنیم. با بودن او اعتماد به نفس و رضایتمندی بیشتری را در زندگی تجربه می‌کنیم. وقتی دوست خوبی داشته باشیم که با او راحت باشیم و درد دل کنیم، معلوم است که سبک می‌شویم و کمتر احساس تنهایی می‌کنیم.

البته نقش دوست در زندگی گسترده‌تر از این حرف‌هاست. دوستان نقش عمده‌ای در نگرش‌ها، رفتارها و حتی نوع شکل‌گیری آینده ما دارند؛ همان که از زبان پیامبر به زیبایی بیان شده است: «المرء علی دین خلیله فالینظر احدکم من یخاله». آدمی به روش و آیین دوست خود است. پس هر کس باید توجه کند با چه کسی دوستی می‌کند (الحیاء، جلد دهم، ص ۷۸).

بله دوستان ما در شکل‌گیری آینده و سرنوشت ما نقش دارند. دوست خوب و آگاه می‌تواند آدمی را در مسیر رشد و خوشبختی قرار دهد. در مقابل، دوست بد و ناباب هم ممکن است باعث انحراف‌های رفتاری و آسیب‌های اخلاقی جدی شود؛ تا جایی که سرنوشت ما را به کلی تغییر دهد. در «قرآن مجید» از قول فردی جهنمی آمده است که با خود می‌گوید: ای وای بر من! ای کاش فلانی را (که باعث بدبختی من شد) به دوستی نمی‌گرفتم (سوره فرقان، آیه ۲۸). می‌بینید تأثیر مخرب دوست تا کجاست؟! پس حواسمان به دوستانی که انتخاب می‌کنیم باشد.

اما آیا با ویژگی‌های دوست خوب و بد آشنا هستیم؟ آیا می‌توانیم آن‌ها را به راحتی از هم باز شناسیم؟ چگونه باید این کار را بکنیم؟ چطور می‌توانیم از دوستان بد جدا شویم؟ اگر دوست خوبی داریم چگونه می‌توانیم این دوستی را تداوم ببخشیم؟

ما را در برابر سستم یا آسیب جدی ساکت نگه دارد.» البته در همه این گونه موارد چه بهتر که موضوع را با شخص بزرگ‌تر مورد اعتمادی، مثل پدر و مادر، مشاور یا معلم کلاس در میان بگذاری.

چه جاهایی باید رازدار بود؟

جاهایی باید رازدار بود که راز مربوط به مسئله‌های شخصی و فردی باشد و به کسی آسیب نزند. مثلاً دوستت به تو گفته است از چه کسی خوشش می‌آید یا از فلان شخص متنفر است و از تو خواسته است به کسی نگوید. یا بگوید که در امتحانی تقلب کوچکی کرده و از تو می‌خواهد بین خودتان بماند. اما اگر دوستت به تو گفته است تصمیم دارد از خانه فرار کند یا خدای نکرده فکر خودکشی به سرش زده، معلوم است که باید بدون درنگ آن را بزرگ‌تر قابل اعتمادی در میان بگذاری. نباید تصور کنی بر ملا کردن این راز و کمک‌گرفتن از دیگران در این گونه موارد خیانت به حساب می‌آید.

اینکه چه رازی را می‌توانیم با دوستان در میان بگذاریم هم قانون ساده‌ای دارد. از امام صادق (ع) بیاموزیم: «دوست خود را از رازهایی آگاه ساز که اگر دشمنت روزی از آن‌ها آگاه شد، نتواند زبانی به تو برساند. زیرا دوست ممکن است روزی دشمن تو شود (الحیاء، جلد دهم، ص ۱۳۴).

صداقت در گفتار و کردار

دروغ گفتن و پنهان کاری در ارتباط‌های دوستانه پایه‌های اعتماد را سست می‌کند. سعی کنیم با دوست صادق و روراست باشیم. اگر اشتباهی هم کردیم، راستش را بگوییم و عذرخواهی کنیم.

ادب و احترام

به دوستان در همه جا احترام بگذاریم. احترام گذاشتن عامل ماندگاری دوستی است. حتی وقتی دوستت راه اشتباهی می‌رود، با نرمی و محبت، بدون تمسخر و تحقیر، راهنمایی‌اش کن. اگر خطایی می‌بینی، بی تفاوت نباش، اما محترمانه واکنش نشان بده.

گذشت‌گداید آرامش

اگر دوستان از سر ندانم کاری و ناآگاهی خطایی انجام داد، اغلب باید آن را گذاشت و گذشت. اگر هم از کارش دلگیر شدی، دلگیری‌ات را زیاد کش نده. او را ببخش. آزردهی‌ها را با گفت‌وگو می‌توان حل کرد، نه با قهر. اما اینجا هم نکته مهمی هست که باید به آن توجه داشته باشی. همه جا جایی گذشت نیست. گذشت هم برای خود چارچوبی دارد. درست است که گفته‌اند بخشش از بزرگان است، یعنی نشان بزرگی است، اما برخی رفتارها اگر نادیده گرفته شوند، ممکن است آسیب‌زا باشند.

* مواردی از خطاهای دوستانه که نباید نسبت به آن‌ها بی تفاوت باشیم این‌ها هستند:

فریب کاری و دروغ‌گویی مدام

اگر دوستی مرتب دروغ می‌گوید، واقعیت‌ها را پنهان می‌کند یا با فریب سعی دارد تو را گمراه کند، نباید این رفتار وی را طبیعی بدانی و آسان از کنارش بگذری. در اینجا باید حساسیت به خرج بدهی. دروغ پایه اعتماد را از بین می‌برد.



سوء استفاده از احساسات تو

اگر کسی به بهانه دوستی با گرفتن پول، از تو سوء استفاده می‌کند، یا با احساسات بازی می‌کند و از تو به شکل‌های دیگر سوء استفاده می‌کند، نباید از کنار این رفتار با سکوت بگذری یا با ابراز یک مخالفت ساده واکنش نشان بدهی. حتماً باید قاطعانه پاسخ بدهی؛ جوری که به او مجال ادامه ندهی. البته در صورت ناتوانی در ایستادن مقابل این درخواست‌های بی‌شرمانه، چه بهتر موضوع را با بزرگ‌تر قابل اعتمادی مثل پدر و مادر در میان بگذاری و از آن‌ها راه حل بخواهی. در این جاها هم گذشت معنی ندارد.

توهین و تحقیر

دوستی که مدام به مسخره و تحقیر تو می‌پردازد یا جلوی دیگران به تو بی‌احترامی می‌کند و این کار هر روزه اوست، لیاقت ادامه دوستی را ندارد. یادت باشد که گذشت تو او را نسبت به این کارها بیشتر تشویق می‌کند.

دعوت به کارهای خلاف و گناه

اگر دوستی تو را به کارهای بد و گناه دعوت می‌کند، نباید به اسم رفاقت و با گذشت تسلیم او شوی و همراهی‌اش کنی. یادت باشد رابطه‌ای که عزت نفس، آرامش و ایمان تو را تهدید می‌کند ارزش ادامه‌دادن ندارد.

چگونه از دوستان بد جدا شویم؟

گاهی ممکن است بعضی از دوستان تأثیر منفی روی ما بگذارند. این‌ها همان دوستان ناباب هستند. مثلاً کسی که تو را به دروغ یا به کارهای نادرست دیگر تشویق می‌کند، کسی که وقتی کار غلطی انجام می‌دهی، به جای سرزنش با خنده تأییدت می‌کند، یا کسی که ارزش‌های دینی را مسخره می‌کند و دستورات دینی را زیر پا می‌گذارد، دوست نابابی است. معلوم است که این رفتارها به تدریج در ما اثر می‌گذارند و ما را منحرف می‌کنند.

به هر حال هم‌نشینی مؤثر است. در این موارد بهترین کار کنار گذاشتن رفاقت و جداشدن از اوست. این درسی است که حافظ بزرگ در یک بیت کوتاه بر آن تأکید کرده است:

بیاموزمت کیمیای سعادت

ز هم صحبت بد جدایی، جدایی (غزل ۴۹۲، دیوان غزلیات حافظ)

نکته پایانی

وقتی از دوستی جدا می‌شوی، ممکن است چند روزی کلافه باشی. باید تحمل کنی. سپس بهتر است در اولین فرصت جای خالی او را با دوستان خوب دیگر و سرگرمی‌های مفید پر کنی تا مشکلی پیدا نکنی.

یادت باشد رها کردن یک دوست شاید سخت باشد، ولی نشانه شجاعت و آگاهی توست. تو داری از خودت و آینده‌ات مراقبت می‌کنی.

این تصمیم بزرگ و قابل تحسین است. باید به خودت آفرین بگویی و خدا را بابت این اراده شکر کنی.